

دانستنی هایی درباره انقلاب اسلامی

بررسی تحلیلی تاریخ دو قرن اخیر ایران ، بخصوص سالهای پس از 1300 از جهات بسیاری حائز اهمیت است .



مقدمه

بررسی تحلیلی تاریخ دو قرن اخیر ایران ، بخصوص سالهای پس از 1300 از جهات بسیاری حائز اهمیت است . چگونگی نفوذ ، حضور و سلطه استعمار و جابه جایی دو امپراتوری استعماری و چگونگی برخورد جریانهای فکری مختلف با مسائل سیاسی و فرهنگی و همچنین نقش مردم از زمانهای مختلف و تاثیر حضور آنان در تحولات سیاسی - اجتماعی ، برای سیاستگذاران و مدیران کشور بشدت مورد نیاز می باشد. علل و عوامل شکل گیری و چگونگی روند انقلاب اسلامی از دهه 40 تا کنون همچنان مورد بحث و بررسی و اختلاف نظر می باشد. هر يك از گروهها و جریانهای سیاسی و اعتقادی به گونه ای موضوع را تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری کرده اند.

اگر چه بسیاری سعی کرده اند این انقلاب را در ردیف سایر انقلابها و تحولات معمول دنیا بدانند اما در عمل نظرات آنان با واقعیتها فاصله زیادی دارد. زیرا نیروی این انقلاب مردمی و اسلامی بدون هیچ گونه مرزبندی طبقاتی و گروهی بوده و ایدئولوژی آن اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله می باشد که سازش با نظامهای رایج دنیا ندارد و رهبری آن توسط یکی از مردان کم نظیر تاریخ حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) با ویژگیهای خاص خود بود. به همین دلیل جریانات و تحولات قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مخالف غالب تحلیلهای و پیش بینیهای سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی بود. واقعیت این است که دنیا با چنین انقلابی آشنایی نداشت و لذا در برخورد با آن نیز شیوهها و روشهای معمول را به کار می گرفت که کارآیی و تاثیر چندان در سیر جریان دیده نشد. اگر نظرهایی مختلفی که در مورد علل تکوین و داوم انقلاب مطرح شده تدوین شود طبعاً صاحب نظران داخلی تأیید می کنند، این است که عوامل اساسی انقلاب عبارتند از :

1. رهبری حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی که با شیوه های استثنایی و فوق العاده رهبری و فرماندهی را به عهده گرفتند و تا پیروزی نهایی هدایت جریانات را به نحو احسن انجام دادند. ویژگیهای شخصی و رهبری امام خود موضوع بحثی جدید در جامعه شناسی سیاسی می باشد.
 2. حضور یکپارچه و متحد مردم در تمامی صحنه ها قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ، آن چنان توان و قوتی ایجاد نمود که هیچ گونه امکانی برای مقابله با آن در اختیار رژیم شاه و اربابانش نبود.
 3. اعتقاد به اسلام و موازین و ارزشهای آن و همچنین عشق به خاندان پیامبر و اسوه بودن آنان برای مردم و الهام از زندگی و شهادت آنان در راه خدا خصوصاً درس گرفتن از عاشورا، آن چنان تحولی به وجود آورد که نه تنها برای خارجیان بلکه برای سران و کارگزاران سیاسی - امنیتی رژیم شاه هم بخوبی شناخته شده نبود.
- به همین دلیل در کلیه تجزیه و تحلیلهای سیاسی و اقتصادی و امنیتی اعتقادات مردم و نقش و نفوذ علما مورد توجه نبود و اتفاقاً مهمترین انگیزه انقلاب هم بی اعتنایی و تضعیف اسلام در امور مختلف کشور توسط رژیم شاه بود. بعضی تلاش کرده اند تا مدرنیسم و صنعتی شدن، توسعه ارتباطات و مبادلات با غرب را علت اصلی بروز انقلاب اسلامی تحلیل و تبلیغ نمایند اما واقعیت این است که مقابله با مظاهر فاسد فرهنگ غرب و تهاجم همه جانبه سلطه استعماری برای از بین بردن هویت اعتقادی و فرهنگی یکی از عوامل اصلی انقلاب مردم مسلمان بود. زیرا اسلام با روابط مناسب و سازنده و مبادلات منطقی مخالف نیست بلکه تأیید کننده و مشوق است. به طور خلاصه می توان گفت 22 بهمن 1357 نه تنها سرآغاز دوران جدیدی در تاریخ تحولات ایران بود، بلکه تغییرات زیادی را در سطح منطقه و در سطح بین المللی به دنبال داشته است .

مفهوم انقلاب

مطالعه نظام مند مفهوم جدید انقلاب، از قرن نوزدهم میلادی آغاز شد. در فرهنگ های سیاسی و علوم سیاسی، انقلاب را چنین تعریف می کنند: «سرنگونی یک نظام اجتماعی کهنه و فرسوده و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی نو و مترقی» یا «سرنگونی حکومت طبقه یا طبقات رو به زوال و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی جدید». در برخی موارد هم برای تعریف عام انقلاب که هر نوع تحول اساسی را در برگیرد، آن را چنین تعریف می کنند: «هر نوع تحول کلی و اساسی».

انقلاب از دیدگاه اسلام

دیدگاه اسلام در مورد انقلاب، با تفسیر و تحلیل غربی و مارکسیستی آن کاملاً تفاوت دارد. در تحلیل اسلامی، مهم ترین عامل انقلاب، آرمان خواهی و عقیده به مکتبی است که نخست گروه پیشرو و مجاهدان را وارد میدان مبارزه انقلابی می کند و سپس با بسیج توده های گسترده مردم، انقلاب را به درون جامعه کشانده، از طریق توده های مردم به پیروزی می رساند. از دیدگاه اسلام، انقلاب نوعی جهاد داخلی است که در آن گروهی برای خدا می جنگند و گروه دیگر مانع راه خدایند.

در انقلاب اسلامی، عناصر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر کدام به گونه‌ای تأثیر گذارند. نیز در کنار این عناصر، بر خشم قهرآمیز مردم تکیه می‌شود. البته می‌توان ویژگی‌های اصلی انقلاب اسلامی را در تعریف زیر مطالعه کرد: «انقلاب اسلامی، دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان‌بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت و بر اساس آگاهی و ایمان مردم، و نیز حرکت پیشگام صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم است».

فرایند انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری در پیام خود به مناسبت بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1377 چنین می‌فرماید: «امام بزرگوار ما با تکیه به تعالیم اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و با اعتماد به ایمان دینی مردم، و با شجاعت و اخلاص و توکل کم‌نظیر خود، راه مبارزه را در میان سختی‌ها و مصائب طاقت‌فرسا گشود و پیش رفت و صبورانه و پیامبرگونه ذهن و دل مردم را با واقعیت‌های تلخ و راه علاج آن آشنا کرد. ملت ایران که از اولین قدم‌ها به ندای این مرد الهی و روحانی گوش فرا داده و به منطق حق و درس روشنگر او دل بسته بودند، با انگیزه نیرومند ایمان و عشق به اسلام، فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های فراموش‌ناشدنی کردند. امام بزرگوار ما در این مدت، در عین هدایت مردم و گسترده شدن دامنه آگاهی همگانی و کشاندن توده میلیونی به مبارزه، اندیشه حکومت اسلامی را نضج و قوام بخشید و در مقابل دو مکتب رایج سیاسی عالم... راه اسلامی را مطرح کرد که در آن بر دو عنصر دین و انسان به طور اساسی تکیه شده و ایمان دینی و اراده مردمی بزرگ‌ترین شاخصه آن است».

ماهیت انقلاب اسلامی

بزرگ‌ترین تحول قرن بیستم

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بزرگ‌ترین تحول جهانی قرن بیستم به وقوع پیوست. بنیان گذار این انقلاب با قیام خود، غرور ملت‌های مستضعفی را که سالیانی مدید مورد ظلم قرار گرفته بودند، به آنان باز گرداند. او نه تنها سرنوشت کشورش را تغییر داد، بلکه میلیون‌ها انسان گم‌گشته در برهوت جاهلیت عصر مدرن را به بازگشتی دوباره به معنویت و یکتاپرستی فراخواند.

پیروزی انقلاب اسلامی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، ناظران را با پدیده‌ای تازه در صحنه سیاسی جهان روبه‌رو ساخت. این پدیده بنا به ماهیت، اهداف و سرنوشت خود، در هیچ‌یک از معیارهای سیاسی جهان نمی‌گنجد.

انقلاب آزادی‌بخش

از آنجا که انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی، بر ضد سلطه امپریالیستی شکل می‌گیرد و رژیم شاه در ایران نیز در طول انقلاب به عنوان رژیم دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا بود، برخی آن را به عنوان حرکتی ضدامپریالیستی و در گروه انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی قرار می‌دهند. اما با وجود جنبه ضدامپریالیستی انقلاب و نیز وابستگی رژیم پهلوی از کودتای 28 مرداد 1332 به حمایت‌ها و کمک‌های مستقیم آمریکا، از آنجا که اصطلاح «انقلاب آزادی‌بخش» به جنبش‌هایی گفته می‌شود که بر ضد سلطه مستقیم خارجی شکل می‌گیرد، کاربرد آن در مورد انقلاب ایران چندان راهگشا نیست.

انقلاب اجتماعی

اصطلاح انقلاب اجتماعی، درباره انقلاب‌هایی به کار می‌رود که بر اثر آنها تحولات ساختاری اقتصادی - اجتماعی چشم‌گیری شکل می‌گیرد. برخی چون اسکاچپول که تحولات اجتماعی ناشی از انقلاب‌ها را به شکل وسیع‌تر تعریف می‌کنند، بر آن‌اند که انقلاب ایران، انقلابی اجتماعی است؛ زیرا با دگرگونی‌های ساختاری و ارزشی وسیعی همراه بوده است.

انقلاب اسلامی و همگانی

از آنجا که انقلاب ایران به روشنی بر جنبش سراسری و چند طبقه‌ای متکی بود، بسیاری از تحلیلگران انقلاب، آن را انقلابی مردمی یا مردمگرا می‌دانند. تردیدی نیست که انقلاب ایران از نظر نوع ائتلاف قشرهای مختلف اجتماعی در آن، پدیده‌ای کم‌نظیر به شمار می‌آید و به همین دلیل «انقلاب مردمی» قلمداد کردن آن جایز به نظر می‌رسد. البته انقلاب ایران بیشتر از هر عنوانی با نام «انقلاب اسلامی» مطرح شده است. به نظر می‌رسد که با توجه به گفتمان حاکم بر انقلاب ایران، رهبری انقلاب و همچنین شکل دولت و روابط اجتماعی بعد از آن، جا دارد که انقلاب ایران به عنوان انقلاب اسلامی مطرح شود.

زمینه‌های تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اثرگذار

انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی - اسلامی معاصر تأثیر گذاشت؛ زیرا موارد مشترک فراوانی بین انقلاب اسلامی ایران

و این جنبش دیده می‌شود که این تأثیر را فراهم آورد. این زمینه‌ها که از آنها به عنوان عامل همگرایی یا عناصر همسویی و هم‌رنگی نیز می‌توان یاد کرد، عبارت است از عقیده مشترک، دشمن مشترک، هدف مشترک، وحدت‌طلبی و مردم‌گرایی.

عقیده مشترک

انقلاب اسلامی ایران، همانند هر جنبش اسلامی دیگر، به یگانگی خدا و رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معتقد است، کعبه را قبله آرزوهای معنوی خود می‌داند، قرآن را کلام خداوند و منجی بشر گمراه می‌پندارد، و به دنیای پس از مرگ و صلح و برادری و برابری ایمان دارد؛ همان گونه که امام خمینی رحمه‌الله فرمود: «در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است، با هم توحید کلمه کنید».

دشمن مشترک

انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی، دشمن مشترکی دارند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل است، همانند کفار قریش، مغولان وحشی، استعمارگران اروپایی و صرب‌های نژاد پرست و...، کیان اسلام را تهدید می‌کند. در مقابل، انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی نه غربی» علم مبارزه بر ضد دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است.

هدف مشترک

هدف انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، برچیده شدن فساد، اجرای قوانین اسلام، استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان، و به اهتزاز درآوردن پرچم لا اله الا الله در سراسر جهان با تکیه بر قدرت الهی و توده‌های مردم است. البته برخی از جنبش‌های سیاسی معاصر، فقط عمل به احکام اسلام را در کشورهای خود می‌خواهند و برخی نیز خواستار تشکیل حکومتی مستقل، بدون تأکید بر شکل اسلامی حکومت هستند.

بنابراین می‌توان گفت که جنبش‌های اسلامی معاصر، حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی هستند؛ زیرا انقلاب اسلامی به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشید، آنان را از عزلت و حقارت نجات داد و اسلام را به عنوان تنها راه‌حل برای زندگی سیاسی مسلمانان مطرح ساخت.

وحدت‌طلبی و مردم‌گرایی

تکیه و تأکید انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت همه قشرها و همه مذهب‌های اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی، زمینه‌گرایش جنبش‌های اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است؛ زیرا انقلاب اسلامی با الگو قرار دادن اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هیچ تفاوتی بین مسلمانان سیاه و سفید، و غربی و شرقی قائل نیست و بر جنبه‌های اختلاف برانگیز در بین مسلمانان پافشاری نمی‌کند؛ بلکه با برگزاری هفته وحدت، برپایی روز قدس، صدور فتوای امام خمینی رحمه‌الله علیه سلمان رشدی و...، در راه اتحاد مسلمانان گام برداشته است. به همین دلیل، انواع گروه‌های غیرشیعی و حتی جنبش‌های آزادی‌بخش غیراسلامی، انقلاب اسلامی ایران را الگوی خود قرار داده‌اند. مردم‌گرایی انقلاب اسلامی نیز، عاملی در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است.

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی

انقلاب اسلامی ایران بر حرکت‌های اسلامی معاصر، تأثیر فراوانی گذاشته است که از آن جمله می‌توان به بازتاب سیاسی و فرهنگی آن اشاره کرد.

الف) بازتاب سیاسی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، تجدید حیات اسلام در جهان است. به بیان دیگر، عمر دوره‌ای که اعتماد به نفس در میان مسلمانان از بین رفته و خواهان هضم شدن در هویت جهانی بودند، به پایان رسید و انقلاب اسلامی آن اعتماد به نفسی که روزگاری پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی بود، احیا و بارور کرد.

این تجدید حیات اسلام، آثار مختلفی را برای جنبش‌های اسلامی به ارمغان آورد. یکی از این آثار، انتخاب اسلام به عنوان بهترین و کامل‌ترین شیوه مبارزه است. چنین رویکردی، به معنای کنار گذاشتن اندیشه‌های غیرمذهبی است که همگی در نجات ملت‌های اسلامی از چنگال استبداد داخلی و خارجی ناتوان ظاهر شدند.

ب) بازتاب فرهنگی

انقلاب اسلامی ایران، ارزش‌های فرهنگی جدیدی را در مبارزه سیاسی جنبش‌های اسلامی مطرح کرد. یکی از این ارزش‌ها، گرایش به جهاد است. جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران، جهاد، شهادت و ایثار را به عنوان اصول اساسی پذیرفته‌اند.

مردمی بودن که یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران است، در جنبش‌های سیاسی اسلامی راه یافته است. این جنبش‌ها

دریافته‌اند که اسلام، توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد.

تقلید شعارهای انقلاب اسلامی ایران از سوی جنبشگران مسلمان، شکل دیگر تأثیر انقلاب اسلامی ایران است. برای مثال شعار مردم مصر «لا شرقیه و لا غربیه»، مردم کشمیر «الله اکبر» و «خمینی رهبر»، شعار مردم فلسطین «لا اله الا الله»، «الله اکبر» و «پیروزی از آن اسلام است» می‌باشد.

از دیگر مظاهر انقلاب اسلامی ایران که در پیروان جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر دیده می‌شود، حجاب است. با پیروزی انقلاب اسلامی، گرایش به حجاب در نقاط مختلف جهان افزایش یافت. تظاهرات به سبک ایران نیز یکی دیگر از آثار فرهنگی انقلاب اسلامی ایران بر حرکت‌های اسلامی و سیاسی معاصر به شمار می‌آید.

جهان‌شمولی

پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بزرگ هر جامعه، همچون انقلاب‌های مطرح در تاریخ بشر، بر تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی در خارج از مرزهای خود اثر می‌گذارند. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده بیرون نبوده است؛ به ویژه آنکه با رویکرد عقیدتی خود، از توانمندی تأثیرگذاری به گستره جغرافیایی جهان اسلام برخوردار بود. ویژگی اصلی انقلاب اسلامی، تبلیغ اسلام و اصول اساسی آن است. جهانی بودن انقلاب در گسترش فرهنگ اسلامی و افزایش اقتدار اسلامی جلوه‌گر می‌شود. گسترش انقلاب اسلامی نه تنها حرکتی انقلابی، بلکه وظیفه‌ای دینی به شمار می‌آید. به همین دلیل در اصل 154 قانون اساسی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان‌ها در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

بازتاب انقلاب نور در جهان

آسیای مرکزی

استاد جمعه علی خان (معاون وقت وزیر فرهنگ قرقیزستان) می‌گوید: «شناخت اولیه ما از انقلاب، بسیار ناچیز بود... ما همین اندازه می‌دانستیم که امام خمینی رحمه‌الله، شخصیتی سازش‌ناپذیر است که سال‌ها در تبعید زندگی کرده و به چیزی جز پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس حکومت اسلامی رضایت نمی‌دهد». مقامات کشورهای تازه استقلال یافته، اعتراف کرده‌اند که با پیام امام خمینی رحمه‌الله به گورباچف، به عمق شخصیت ایشان پی برده و دانسته‌اند امام خمینی رحمه‌الله شخصیتی سیاسی در ردیف دیگر رهبران کشورها نیست. آنها پیام امام را مهم‌ترین و رساترین صدای انقلاب ایران در میان ملت‌های خود می‌دانند.

جنوب شرقی آسیا

احیای اسلام و تأثیر انقلاب در آسیای جنوب شرقی، به شیوه‌های گوناگونی به ویژه در مالزی و اندونزی تجلی یافته است. از نشانه‌های آشکار این امر، حجاب بسیاری از زنان، توجه هر چه بیشتر مردم به نماز، روزه و دیگر عبادات، برنامه‌های مذهبی بیشتر در تلویزیون، استناد به اسلام در سخنرانی‌های سیاست‌مداران و مشارکت بیشتر در سازمان‌های اسلامی بین‌المللی است. نظر عمومی بر این است که انقلاب ایران، تأثیر مهمی بر عناصر آشنا به مذهب در این کشورها داشته است و مسلمانان بیش از پیش هویت خود را شناخته‌اند.

لبنان و فلسطین

حرکت‌های اسلامی در لبنان کاملاً با انقلاب اسلامی ایران در ارتباط هستند. یکی از اساتید دانشگاه لبنان می‌گوید: «در دنیای امروز، هر انسانی باید کسی را بیابد که از طرف او حمایت شود. در این ایام، ترکیه با گرایش به غرب، اسلام را رها کرد و کسی نبود که مسلمانان را حمایت کند. آمریکا و فرانسه و غرب نیز مسیحیان را حمایت می‌کنند. در این برهه می‌بایست کسی اسلام و مسلمین را حمایت می‌کرد. انقلاب اسلامی پیروز شد و مسلمانان لبنان و تمام مظلومان جهان را مورد حمایت خود قرار داد».

غرب و آمریکا

تحلیلگران و صاحب‌نظران معتقدند که با آغاز عصر امام خمینی رحمه‌الله، دین و دین‌داری در همه جهان گسترش یافته و زنده شده است. از این رو، کلیساها جان تازه‌ای گرفتند و حتی مذهبی بودن در اروپا با ارزش تلقی شد. خلاصه اینکه عصر امام خمینی رحمه‌الله، عصر احیای دین و معنویت در جهان معاصر به شمار می‌آید. یکی از اندیشمندان اسلامی در این باره گفته است: «مهم‌ترین دستاورد حرکت امام خمینی، احیای دین و دین‌گرایی در جهان معاصر بود؛ به گونه‌ای که به برکت این حرکت، نه تنها پیروان دین اسلام، بلکه پیروان دیگر ادیان، از جمله مسیحیت نیز حیاتی دوباره یافته و در نتیجه دین و دین‌گرایی در سایر ملل نیز افزایش یافت».

گرایش دینی

یکی از ویژگی‌های انقلاب مردم ایران، خدا محوری آن است. در اصل 56 قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌خوانیم: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است». در وصیت‌نامه پیر عرفان و بنیان گذار انقلاب اسلامی، در این باره چنین آمده است: «ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند، امکان نداشت یک جمعیت 36 میلیونی با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی خصوصاً در این صد سال اخیر... یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد فریاد الله اکبر و فداکاری‌های حیرت‌آور و معجزه‌آسا، تمام قدرت‌های داخل و خارج را کنار [زند]... تردیدی نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بود که از جانب خداوند مژگان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است».

مردمی بودن انقلاب

مردمی بودن در انقلاب‌های دیگر هم کم و بیش دیده می‌شود، ولی در انقلاب اسلامی ایران بسیار برجسته‌تر است. در این انقلاب، بیشتر مردم به صحنه آمدند و خواستار سرنگونی رژیم شاهنشاهی و برقراری نظام اسلامی شدند. نظامی، کارگر، کارمند، کشاورز، روحانی، دانشجو و معلم، همه و همه در این انقلاب سهیم بودند. این وجه از مردمی بودن انقلاب شاخص است. در بیشتر انقلاب‌های دیگر، عنصر اصلی مبارزه، نیروهای متشکل حزبی و شبه‌نظامی بودند که از راه جنگ مسلحانه کار را تمام کردند و نقش مردم بیشتر حمایت و پشتیبانی از آنها بود، ولی در انقلاب ما، همه مردم نقش داشتند و در سراسر کشور با یک شدت و قدرت با رژیم پهلوی به مبارزه برخاستند.

رهبری و مرجعیت

از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی ایران که از ویژگی الهی بودن انقلاب سرچشمه می‌گیرد، نقش دین، عالمان دینی و رهبری و هدایت انقلاب است. همه انقلاب‌های دیگر به نوعی در مقابل دین و مذهب بودند، ولی این انقلاب با رهبری و هدایت عالمان دینی آغاز شد و به سرانجام رسید. در رأس این بزرگان، شخص امام خمینی رحمه‌الله قرار داشت که بالاترین جایگاه دینی، یعنی مرجعیت را دارا بود. رهبری ایشان، ویژگی‌های برجسته‌ای داشت که برخی از آنها را برمی‌شمایم:

الف) امام که مرجعی دینی بود، پایگاه وسیع و عمیق مردمی داشت.

ب) ایشان با پایه‌گذاری قیام پانزده خرداد و مدیریت و شجاعت بی‌مانند در آن جریان و ایام تبعید، رهبری سیاسی و انقلابی خود را به اثبات رساند.

ج) رهبری ایشان قاطعانه بود.

د) امام، هم طراح انقلاب بود و هم مدیر و مجری آن.

اصالت

اصالت انقلاب اسلامی ایران دو بُعد دارد: نظری و عملی. در بعد نظری و فکری، آرمان‌ها و ایده‌های این انقلاب، وارداتی نبوده، محصول جامعه و تاریخ ایران است. اسلام و عقاید اسلامی هزار و چهارصد سال قبل از سوی ایرانیان پذیرفته شده، در این مدت به عنصر اصلی و اساسی فرهنگ و ملیت ما تبدیل شد. در بُعد عملی نیز می‌بینیم که مردم با نیروی خود و بدون کمک‌های مالی و تسلیحاتی شرق و غرب یا همسایگان و با اتکا به خداوند و شعار «پیروزی خون بر شمشیر» به پیروزی رسیدند.

اسلامی - دینی بودن انقلاب ایران

یکی از شروط درجه اول انقلاب ایران، اسلام است؛ زیرا رهبر این انقلاب فردی روحانی و مرجع دینی بوده، سازمان‌دهی آن از راه سازمان سنتی هزار ساله حوزه‌های علمیه دینی صورت می‌گرفت. سازمانی که پنج عنصر و رکن اساسی داشت؛ علما و مراجع دینی، حوزه‌های علمیه و مدارس دینی، بقعه‌ها و مزارهای متبرک، مساجد و ائمه جماعات، دستجات و هیئت‌های مذهبی. بنابراین به دلیل نقش اساسی دین اسلام در شرایط انقلاب ایران، این پدیده متصف به صفت اسلامی گردیده است.

خاستگاه عاشورایی انقلاب

از دیدگاه بسیاری از اندیشمندانی که در زمینه علل و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران نظریه‌پردازی کرده‌اند، عامل مذهب از قوی‌ترین و اصلی‌ترین عواملی است که در پیدایش و پیروزی انقلاب نقش بسزایی داشته است. همچنین مروری بر ادبیات سیاسی رایج در روند وقوع انقلاب اسلامی، شعارها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌های رهبران نهضت، بیانگر این واقعیت است که از میان عناصر مذهبی، فرهنگ عاشورا و نهضت امام حسین علیه‌السلام، نقش به‌سزایی در این زمینه بر عهده داشته است. فرهنگ شهادت، مبارزه همیشگی با باطل، طاغوت‌ستیزی، اصل پیروی از رضایت خداوندی و مصالح مسلمانان، و نیز فرهنگ

نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی‌های مؤثر فرهنگ عاشورا بر انقلاب ایران است.

گونه‌های تأثیر فرهنگ عاشورا در پیدایش انقلاب اسلامی

الف) تأثیر فرهنگ عاشورا بر اهداف افراد انقلابی

هدف و انگیزه مردم ایران از انقلاب اسلامی، نابودی ظلم، استبداد و استکبار، برپایی حکومت عدل الهی، اجرای احکام اسلامی به عنوان «معروف»، و جلوگیری از وابستگی به بیگانگان به عنوان «منکر» بود که همان انگیزه و هدف امام حسین علیه‌السلام از قیام عاشورا به شمار می‌آمد. حضرت امام درباره تأثیر قیام عاشورا بر اهداف و انگیزه‌های انقلاب اسلامی می‌فرماید: «حضرت سید الشهداء علیه‌السلام به همه آموخت که در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد؟» به همین دلیل یکی از مهم‌ترین شعارهای افراد انقلابی این بود: «نهضت ما حسینی، رهبر ما خمینی».

ب) تأثیر فرهنگ عاشورا بر رهبری انقلاب

وجود رهبری حسین‌گونه امام خمینی رحمه‌الله، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تأثیر نهضت عاشورا در پیدایش انقلاب اسلامی بود. مردم ایران، صلابت، شهامت، شجاعت، قاطعیت، سازش‌ناپذیری و روح حماسی امام حسین علیه‌السلام را در شخصیت امام خمینی رحمه‌الله متجلی می‌دیدند و شرایطی که امام حسین علیه‌السلام برای رهبر و حاکم جامعه اسلامی توصیف می‌کرد، در او می‌یافتند. شعار «خمینی، خمینی تو وارث حسینی» بیانگر این مطلب است.

ج) فرهنگ عاشورا و شیوه مبارزه

مردم ایران، تحت تأثیر نهضت عاشورا، روحیه شهادت‌طلبی امام حسین علیه‌السلام و یارانش را در خاطره‌ها تکرار می‌کردند. جوانان انقلابی با شعارهای «الله اکبر» و «توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد» با تانک‌ها و مسلسل‌های رژیم ستمشاهی مقابله می‌نمودند. حضرت امام خمینی رحمه‌الله می‌فرماید: «کیفیت مبارزه را... اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه‌جا را در دست دارد، با یک عده معدود، باید چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام به ملت آموخته است».

د) عزاداری امام حسین علیه‌السلام و انقلاب

ایام عزاداری امام حسین علیه‌السلام و اماکن عزاداری مانند مساجد، تکیه‌ها و خیمه‌های عزاداری، به عنوان مهم‌ترین زمان و مکان برای فعالیت نیروهای انقلاب و آگاهی مردم از مفاسد حکومت پهلوی، و نیز سازمان‌دهی آنان برای راهپیمایی، تظاهرات و فعالیت‌های انقلابی به شمار می‌آمد.

فرهنگ عاشورا و پیروزی انقلاب اسلامی

با مروری بر مقاطع سرنوشت‌ساز پیروزی انقلاب اسلامی، مشخص می‌شود که فقط آغاز انقلاب، ایام عزاداری امام حسین علیه‌السلام و با الهام از آموزه‌های نهضت عاشورا بوده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

1. قیام پانزده خرداد، در پی سخنرانی امام خمینی رحمه‌الله در روز عاشورای سال 1342 پدید آمد.
2. هفده شهریور نیز یکی از مقاطع مهم انقلاب بود که تحت تأثیر عاشورا و فرهنگ آن شکل گرفت. امام خمینی رحمه‌الله در این باره فرموده است: «هفده شهریور مکرر عاشورا و میدان شهدا مکرر کربلا، و شهادی ما مکرر شهادی کربلا، و مخالفان ملت ما مکرر یزید و وابستگان او هستند».
3. اعلامیه تاریخی امام خمینی رحمه‌الله در روز 21 بهمن 1357 مبنی بر شکستن کودتا و حکومت نظامی رژیم که تصمیم داشتند رهبران اصلی انقلاب را دستگیر کرده و به گمان خود برای همیشه به انقلاب پایان دهند، نوعی حماسه عاشورایی به شمار می‌آید.

فرهنگ عاشورا و تداوم انقلاب

اگر انقلاب اسلامی بخواهد بر مبنای فرهنگی که شکل گرفته تداوم یابد، ناگزیر باید همواره به آن فرهنگ توجه کند. روحیه شهادت‌طلبی، آزادی و شرف، عزت نفس، مبارزه با ظلم و... در عرصه‌های مختلف سیاست خارجی و روابط با دیگر کشورها و همچنین عرصه سیاست داخلی، از سیاست‌گذاری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... گرفته تا بخش‌های اجرایی، همه باید به آموزه‌های نهضت امام حسین علیه‌السلام و فرهنگ عاشورا پای‌بند باشد. امام خمینی رحمه‌الله در قسمتی از سخنان خویش می‌فرماید: «فداکاری حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است... باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این نهضت‌ها را حفظ کنید».

شعارهای راهبردی

ایدئولوژی و ماهیت هر انقلاب در شکل ساده و مردمی، در شعارهای آن تجلی پیدا می‌کند و شعار، از دیرباز ابزاری برای شناساندن اهداف و مظهر خواسته‌های مردم بوده است. شعارهای مردم ایران که خواسته‌های آنها را مطرح می‌کرد، در واژه‌های زیر قرار می‌گیرد.

1. استقلال

بی‌تردید بنیادی‌ترین شعار مردم در دوران مبارزات ستمشاهی، استقلال‌طلبی بود. ایران زمان شاه، در حکم «ژاندارم منطقه»

برای آمریکا و غرب عمل می‌کرد. قانون کاپیتولاسیون که از سوی دولت ارائه شد و به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید، مصونیت مستشاران آمریکایی را تضمین می‌کرد تا آنان بدون هیچ‌گونه ترس و نگرانی، در داخل ایران به غارت اموال و ثروت عمومی مردم بپردازند. ارتش رژیم شاه هم کاملاً در اختیار ژنرال‌های آمریکایی بود و از خود هیچ اراده‌ای نداشت. استقلال، بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی برای مردم ایران بود. از این رو، قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل‌های مختلف خود، به صورت برجسته بر استقلال کشور تأکید دارد. امروز بدون مبالغه می‌توان گفت که ایران، مستقل‌ترین کشور دنیا به شمار می‌آید.

2. آزادی

آزادی، در زمره مطالبات مردم و همواره در صدر اهداف نهضت‌ها و جنبش‌های استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی ایران در دو قرن اخیر بوده است. رژیم مستبد و دیکتاتور پهلوی با ایجاد جوّ اختناق و خفقان، حداقل آزادی‌ها را نیز از ملت ایران دریغ می‌ورزید و به جای آن، زندان‌ها پُر از مجاهدان راه حق بود. مجلس‌ها و دولت‌های دست‌نشانده، یکی پس از دیگری می‌آمدند و می‌رفتند و در این میان آنچه بی‌اهمیت می‌نمود، نقش مردم و قانون بود. حکومت پلیسی که به ویژه پس از کودتای 28 مرداد 1332 با هدایت آمریکا و انگلستان برای حمایت همه‌جانبه از رژیم شاه در ایران شکل گرفت، تمام همت خود را صرف سرکوب آزادی و مبارزه با مجاهدان راه حق می‌کرد. در چنین فضایی، ملت ایران فریاد «آزادی» را در کنار «استقلال» و «جمهوری اسلامی» فریاد زدند.

3. جمهوری اسلامی

شهید آیت‌الله مطهری بر این عقیده بود که «جمهوری»، شکل حکومت بوده، «اسلامی» محتوای اداره کشور را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی، با رأی بیش از 98 درصد مردم ایران جای‌گزین رژیم سلطنتی شد. حضرت امام خمینی رحمه‌الله هم این روز را عید اعلام کرده، در پیامی به این مناسبت فرمودند: «مبارک باد بر شما چنین حکومتی که در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و کرد و بلوچ مطرح نیست. همه برابرند... و تفاوت بین زن و مرد و بین اقلیت‌های مذهبی و دیگران در امر اجرای عدالت نیست».

4. نه شرقی، نه غربی

شعار مهم نه شرقی نه غربی، گویای نفی سلطه بیگانگان بر امور داخلی کشور است. با پیروزی انقلاب اسلامی، راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ذیل سیاست نه شرقی، نه غربی بر چند اصل استوار است: نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحارب، ممنوعیت انعقاد هر قراردادی که موجب سلطه بیگانه شود، و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه جهان. در سایه اتخاذ چنین سیاستی بود که ابعاد مبارزه با استکبار در ایران گسترش یافت و فرهنگ بیگانه‌ستیزی و ضداستکباری نهادینه شد.

ضرورت شناخت انقلاب اسلامی

در قرن ما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران حادثه مهم و حیرت‌انگیزی برای جهان بود که می‌توانست در رابطه با مسائل سیاسی جهان و منطقه ایفاگر نقش تعیین‌کننده و تحولات غیر قابل پیش‌بینی باشد.

این حادثه بزرگ قرن از یکسو معادلات سیاسی استکبار را در ادامه سیاست سلطه و تقسیم استعماری جهان بهم زد و از سوی دیگر یکی از استوارترین رژیم‌های وابسته را که از حمایت قدرتهای بزرگ برخوردار بود ریشه کن نمود و در کشوری چون ایران با اهمیتی که از نظر استراتژیکی و اقتصادی برای قدرتهای بزرگ جهان دارد تحولی سیاسی - مردمی و عظیم بوجود آورد.

مهمتر از این دو روند انقلاب اسلامی با آگاهی‌های عمیقی که در میان ملت‌های مسلمان جهان بویژه در کشورهای اسلامی بوجود آورد زمینه تحولات سیاسی ریشه دار و بینش‌ها و گرایش‌ها و حرکت‌ها و سازماندهی‌های سیاسی چشمگیری را فراهم آورد.

این جریان سیاسی یکبار دیگر اسلام را به عنوان يك قدرت تعیین‌کننده در جهان مطرح نمود و چشم انداز وحدت بزرگ جهان اسلام و حرکت عظیم بازبانی خویشتن خود و گریز از سلطه و ایستادگی در برابر استعمار کهنه و نو و ایجاد قطب سیاسی جدید در جهان و فروریزی رژیم‌های وابسته و تحمیلی را در سرزمین‌های پرنعمت اسلامی در برابر دیدگان مشتاق ولی غم و یاس گرفته يك میلیارد مسلمان گشود و موجی از وحشت و اضطراب در دل‌های پر از امید و آرزوی استعمار گران آفرید.

به اعتراف تحلیل‌گران سیاسی شگفتی‌های که انقلاب اسلامی در جهان آفرید بیشتر از آن‌هایی است که دنیا در طول شصت سال اخیر بخود دیده است، شگفتی‌هایی که تحلیل‌ها، تئوریه‌ها و پیش‌بینی‌های صاحب نظران سیاسی را بی اعتبار نموده است.

انقلاب اسلامی بلوک بن‌دیه‌ها و نظام دوقطبی تثبیت شده در نظام بین‌المللی کنونی جهان را درهم ریخت و با وجود تضاد عمیقی که بر روابط دو ابرقدرت حاکم بود و آن دو را آشتی‌ناپذیر می‌نمود وادار به سازش و اتخاذ موضع واحد در برابر این پدیده سیاسی جدید نمود و تحولات عمده‌ای را در مسائل مختلف جهان بدنبال‌آورد.

غرب طی چند تجربه تلخ در مصاف با یکپارچگی اسلام در جریان جنگ‌های صلیبی و درگیری با امپراطوری‌های اسلامی و مانند

آن خاطرات ترسناك و تكان دهنده ای را در حافظه تاریخ خود بیان دارد ولی این بار خطر عظیمتر و گسترده تر و دهشتناکتر از آن بود که در گذشته دیده بود.

پدیده كاملا نوظهور مقاومت در لبنان با الهام از انقلاب اسلامی و جهان اسلامی در مصر و دیگر کشورهای اسلامی برای غرب بیش از آنچه که تصور می کرد وحشتناك و طلیعه جهنمی سوزان برای استكبار بود.

انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای دیگر جهان از يك سلسله ویژگیها و امتیازهای اصولی برخوردار است که از نظر فرهنگ و دانش و تئوری انقلاب آن رادر رده بالای پدیده های سیاسی بزرگ و انقلابهای مهم جهان قرار داده است مزایای چون ماهیت ایدئولوژیکی، قدرت رهبری، و عمق تحولات ناشی از انقلاب موجب گردیده که بسیاری از صاحب نظران علوم سیاسی در تئوریهانقلاب در کشورهای اسلامی تجدید نظر کنند و الگوی جدیدی را مورد بررسی قرار دهند. و از سوی دیگر متفکران و بنیان گذاران حرکتها و نهضت های اسلامی همواره الگوها و انقلاب را در لابلای تاریخ اسلام جستجو می کردند و هر کدام سعی بر آن داشتند که از حوادث برجسته تاریخ اسلام در تبیین راه و حرکت و خط مشی و شیوه خود الهام بگیرند و روند و حرکت خود را دنباله جریانهای تاریخی گذشته اسلام قلمداد کنند.

فروغ انقلاب اسلامی که پس از صدر اسلام مهمترین و ریشه دارترین و شکوهمندترین حادثه تاریخ اسلام است همه درخشندگیهای فرازهای برجسته تاریخ اسلام را دربرگرفت و جایگزین همه الگوهای گذشته تاریخ اسلام گردید.

بی شك با مطالعه حتی سطحی و گذرا در زمینه ماهیت انقلاب اسلامی و بازتابهای آن و دستاوردهای که برای ملل مسلمان بویژه ملت مسلمان ایران به ارمغان آورده است ما را به این نتیجه می رساند که انقلاب اسلامی نه تنها حادثه بزرگ قرن در جهان و تاریخ ایران است بلکه خود از مهمترین فرازهای تاریخ اسلام و پدیده اشگفت انگیز و معجزه ایست الهی که تجلی قدرت لایزال خداوند - علی رغم قدرتهای مادی و شرأط بر حسب ظاهر غیر قابل تغییر سیاسی و اجتماعی محسوب می گردد.

تاریخ تحلیلی انقلاب های گوناگون، یکی از گنجینه های عظیم و میراث های گرانبهای بشری است که با بررسی آن ها می توان نقش و اهمیت هر يك را در مسیر پر فراز و نشیب جوامع انسانی دریافت و با عبرت آموزی از آنها، مسیر حرکت خویش را روشن تر نمود؛ چرا که گذشته چراغ راه آینده است و به فرموده حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه): ((تاریخ معلم انسان هاست)).

اکنون به سی امین سالگرد انقلابی نزدیک می شویم که پیروزی آن موجب تبدیل ساختار سیاسی جهان از نظام دو قطبی به نظام سه قطبی ((اسلام (بنیادگرایی اسلامی)، کاپیتالیسم، کمونیسم)) گردید.

انقلاب اسلامی ایران، بی هیچ تردیدی معجزه ای الهی بود که به دست معجزه گر مردی از سلاله پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، به انجام رسید و نگاه امید مظلومان و مستضعفان جهان را به خود خیره ساخت.

تاثیر عملی و سریع انقلاب اسلامی در منطقه و برآشفتن شعله خشم مردم مسلمان و غیر مسلمان در بسیاری از کشورهای تحت سلطه استعمار، خود گواه روشنی بر این مدعاست؛ زیرا در کمتر مقطعی از تاریخ بشریت، شاهد پیروزی و تاثیر گذاری قاطع يك جنبش صرفا مردمی بوده ایم.

این جنبش الهی، همه متفکران و سیاستمداران را به حیرت و تعجب واداشت زیرا هیچ يك از تحلیلگران و سازمان های جاسوسی دنیا که به دقیقترین وسأل کسب اطلاعات سری مجهز بودند، نتوانستند وقوع چنین انقلاب شگرفی را در منطقه حساس خاورمیانه و در دوره اقتدار شاهنشاهی حاکم بر ایران پیش بینی نمایند.

بررسی ماهیت و علت و ابعاد مختلف این حرکت عظیم الهی نه تنها از آن رو ضروری می نماید که شناخت این نهضت به استمرار و حفظ آن كمك می نماید زیرا ادامه یا ثبات آن بدون شناخت دقیق ماهیت و ابعاد آن، تقریبا ناممکن است - بلکه لزومش از آن جهت نیز رخ می نماید که بدون فهم اعجاز و الهی بودن آن و همچنین استثنای بودن این حرکت رعد آسای اسلامی، نمی توان از عمق جان، بدان دل بست و خداوند را بر آن شکر گزار بود که ((لئن شکرتم لازیدنکم)) شکر نعمت، نعمت افزون کند.

برای شناخت انقلاب اسلامی ابتدا به دلایل لزوم پرداختن به بررسی نهضت انقلاب اسلامی می پردازیم و سپس ویژگی های آن را مورد بررسی قرار می دهیم، و سپس نظریات مختلف در باب عوامل پیروزی انقلاب اسلامی را در بوته نقد قرار می دهیم و پس از بیان مختصر دست آوردهای مهم انقلاب اسلامی، در پایان نتیجه عملی پرداختن به مباحث قبلی را ذکر خواهیم نمود.

الف - ضرورت شناخت تحلیلی انقلاب اسلامی:

به طور کلی می توان از پنج محور در جهت اثبات ضرورت پرداختن به بررسی انقلاب اسلامی ایران بهره جست که عبارتند از:

- 1- دریافت ارزش انقلاب.
- 2- جلوگیری از انحراف انقلاب.
- 3- تثبیت انقلاب.
- 4- تداوم انقلاب.
- 5- صدور انقلاب.

اینک به توضیح اجمالی هر يك از این محورها میپردازیم.

دریافت ارزش انقلاب

آگاهی دقیق از سیر پیدایش این نهضت و وضعیت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور در زمان رژیم سابق، سبب می گردد تا گرانبهائی این گوهر استثنائی را در دنیای زور و استکبار امروز، بهتر و بیشتر دریابیم و با احساس مسوولیت عمیق تری، قدردان موهبت استقلال جمهوری اسلامی باشیم.

جلوگیری از انحراف انقلاب

رمز انحراف هر نهضتی، در انحراف از ریشه های استواری آن نهضت نهفته است، به عنوان مثال، نهضتی که بر پایه اقتصاد و تکیه بر پول پولداران استوار شده است، با تقلیل امکانات مادی رو به انحطاط خواهد گذاشت. و بالعکس، نهضتی که ایمان و ایدئولوژی در آن حرف اول را می زند، گر چه از تاثیر عوامل اقتصادی بر کنار نخواهد ماند، اما تهاجم فرهنگی برنده ترین سلاح در قطع ریشه های آن خواهد بود.

تثبیت انقلاب

اکنون که در مقطع خاصی از تاریخ تحولات جهان و هم چنین، موقعیت حساس و سرنوشت سازی از دوران انقلاب اسلامی قرار گرفته ایم، مسؤلیت ما ایجاب می کند تا واقعیت ها، ریشه ها و علل و آثار پدیده های مختلف انقلاب را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد شناسایی قرار دهیم تا بتوانیم با يك برنامه ریزی حساب شده ارکان انقلاب را تثبیت نماییم.

تداوم انقلاب

استمرار هر جنبشی، متوقف است بر زنده نگاه داشتن انگیزه های اولیه و اصلی آن جنبش. انگیزه های اصلی مردم مسلمان ایران در رویارویی با رژیم طاغوت، نیز عبارت بودند از: استقلال فرهنگی، آزادی سیاسی و جمهوری اسلامی. با تحلیل دقیق این انگیزه ها در مرحله نظر و سپس برنامه ریزی عملی برای پیاده کردن آن ها در سطح اجتماع، می توانیم تداوم انقلابمان را تا ابد تامین نمایم.

صدور انقلاب

هر ایده یا فرهنگی از دو راه می تواند گسترش یابد و از مرزهای داخلی ملت خویش فراتر رود: 1- تحمیل استکباری این فرهنگ با استفاده از تبلیغات دروغین (تهاجم فرهنگی) 2- نفوذ واقعی و استدلالی این فرهنگ در فکر و روان ملت های دیگر (تبلیغ راستین با تحلیل و شناخت ماهیت انقلاب اسلامی، می توانیم رموز نفوذ این نهضت در میان مردم ایران و نتیجتاً ملت های دیگر را به راحتی تشخیص داده و با برنامه ریزی های درازمدت تبلیغی، در جهت گسترش مرزهای ایدئولوژیکی خود، گام های موثری برداریم.

ماهیت انقلاب

به تعبیر فلاسفه هر پدیده ای مرکب از دو چیز است ((ماهیت)) (چیستی) و ((وجود)) (هستی) انقلاب نیز از این قانون مستثنی نبوده دارای ماهیت و وجود است اینک می خواهیم بینیم انقلاب ایران از چه ماهیتی برخوردار است؟ اقتصادی؟ سیاسی؟ ایدئولوژیکی؟ یا هر سه؟ یا اسلامی؟ قبل از ورود در بررسی ماهیت انقلاب ملت ایران بررسی نظرات دیگران در رابطه با انقلابها امری ضروری است و تا جای که نگارنده اطلاع دارد سه نظریه وجود دارد که طرفدار هر نظریه ای می خواهند همه انقلابهای دنیا و از جمله انقلاب ملت ایران را با نظریه خود تطبیق دهند اینک بطور اختصار به آن سه (نظریه می پردازیم:

نظریه اقتصادی

گروهی برآنند که هر چند انقلابها در دنیا با اشکال مختلف و گوناگون واقع می شوند ولی با دقت در آنها می بینی که همه به يك ریشه برمی گردند و آن همان ریشه مادبو اقتصادی بوده و به تعبیر دیگر ریشه طبقاتی دارند که طبقه فقیر علیه طبقه مرفه قیام می کنند گرچه بصورت ظاهر چهره سیاسی یا ایدئولوژیکی و عقیدتی دارند لذا این گروه (مادیین) همه انقلابهای دنیا (اعم از انقلاب کبیر فرانسه و اکتبر روسیه و انقلاب چین و ...) را انقلابی طبقاتی و اقتصادی می دانند و می گویند انقلابها همانندیک بیماری است که در موارد مختلف از خود آثار گوناگون نشان می دهند اما يك طبیب حاذق و پزشك متخصص می فهمد که همه این علأم و آثار مختلف نشأت گرفته از يك اصل است لذا در انقلابها نیز این نارضأیها به يك نارضایتی و همه این خشم ها به يك خشم و همه این آرمانها به يك آرمان برمی گردد و آن همان جنبه مادی و اقتصادی است و خلاصه همه انقلابها انقلاب محرومین علیه مرفهین است و ریشه همه آنها محرومیت اقتصادی است.

نظریه سیاسی

گروهی دیگر می گویند این طور نیست که همه انقلابها به محرومیت مادی و اقتصادی برگشته و همگی نشأت گرفته از فقر

و گرسنگی باشد چرا که طغیان از جهت گرسنگی اختصاص به انسان ندارد بلکه حیوانات نیز در هنگام گرسنگی شدید ممکن است طغیان نمایند البته ممکن است در جای که نظام طبقاتی حاکم است انقلاب در آنجا ریشه طبقاتی داشته باشد اما این موضوع کلیت ندارد زیرا ممکن است جامعه ای دوقطبی نبوده و مردم به دو دسته گرسنه و سیر تقسیم نگردند و همگان در رفاه مادی باشند ولی از نظر سیاسی در اختناق بسر برده و تحت فشار باشند و چون اصل آزادی و آزاد زیستن يك اصل انسانی است ممکن است مردم برای بدست آوردن آزادی قیام نمایند هر چند که از نظر اقتصادی در رفاه اند و انقلاب کبیر فرانسه بیشتر با این انگیزه واقع شده است نه به انگیزه اقتصادی.

پس این که شرط اساسی انقلاب را دوقطبی بودن جامعه از نظر اقتصادی می دانند نظریه صحیحی به نظر نمی رسد.

نظریه ایدئولوژیکی

ممکن است انقلابی در جهان رخ دهد که نه ماهیت اقتصادی داشته باشد و نه ماهیت سیاسی و آزادی خواهی بلکه ماهیتی آرمان خواهی اعتقادی و ایدئولوژیکی داشته باشد بدین معنی مردمی که به يك مکتب ایمان و اعتقاد داشته و به ارزشهای معنوی آن مکتب شدیداً وابسته هستند وقتی آن مکتب را در معرض خطر و آماج حمله های بنیان برافکن مشاهده نمایند، خشمگین و ناراضی از آسبیهائی که بر پیکر مکتب شان وارد شده، برای برقراری مکتبشان و جلوگیری از تبااهی آن دست به قیام می زنند و این نوع انقلابها و قیامها ربطی به سیر و گرسنگی شکم و یا ارتباطی به داشتن یا نداشتن آزادی سیاسی ندارد چرا که ممکن است هم شکمشان سیر باشد و هم از آزادی سیاسی برخوردار باشند.

بنابراین منحصر کردن انقلابها در اقتصادی صرف، یا سیاسی منحصر یا عقیدتی خالص روشی به صواب نبوده بلکه این هر سه عامل می توانند سبب بروز انقلاب گردند ممکن است انقلابی ریشه عقیدتی داشته باشد همانند نهضت‌های انبیا علیهم السلام و همه نهضت‌های که در عالم بخاطر دفاع از حریم دین و عقیده انجام می گیرد و ممکن است ریشه سیاسی داشته باشد همانند انقلاب کبیر فرانسه و ممکن است ریشه اقتصادی داشته باشد همانند انقلابهای کمونیستی که بجز (کارنان و مسکن) چیز دیگری را نمی فهمند و همه همشان تامين این سه جهت است البته ممکن است انقلابی فرهنگی باشد و یا اشکال دیگر ...

ماهیت انقلاب کبیر ایران چیست ؟

همان گونه که نظرات سه گانه در رابطه با انقلابهای دنیا وجود داشت صاحبان آن نظرات هر کدام کوشش می کنند که انقلاب ملت ایران را نیز با نظریه خود تطبیق دهند و هر کدام هم برای اثبات مدعای خود شواهدی از انقلاب آورده و مدعیند که انقلاب با نظر آنان قابل تطبیق است یکی مدعی اقتصادی و مادی بودن انقلاب است و دیگری سیاسی و سومی اعتقادی و ایدئولوژیکی.

در مقابل این سه گروه گروهی مدعی اند که انقلاب بر خلاف همه انقلابها تك بعد نبوده بلکه هر سه جهت در آن است لذا با ائتلاف و همکاری هر سه عامل این انقلاب تحقق پیدا کرده است پس انقلاب مردم ایران انقلاب تك عاملی نیست بلکه دارای عوامل سه گانه اقتصادی، سیاسی و عقیدتی است.

ولی با دقت بیشتر روشن می گردد که هیچیک از این نظرات چهارگانه از جهتی صحیح نبوده بلکه نظر دیگری در اینجا صادق است و آن این است که انقلاب مردم ایران به رهبری امام خمینی ((رحمت الله علیه)) ماهیت اسلامی دارد و تك عاملی است اما عاملی که همه علل و عوامل قبلی را یکجا در برداشته و تامين کننده همه آن جهت ها است زیرا اسلام دین جامع و کاملی است که برای تامين سعادت بشر در همه جوانب آنآمده است و نمی توان آن را در يك بعد منحصر دانست آنان که انقلاب اسلامی را منحصر در بعد اقتصادی یا سیاسی یا عقیدتی دانسته اند به يك گوشه و يك بعد آن نگاه کرده اند و از بقیه ابعاد آن غافل مانده و یا سر به تغافل زده اند لذا پس از پیروزی انقلاب برای نامگذاری آن نظرات گوناگون عرضه شد ولی امام خمینی فرمودند که :

((جمهوری اسلامی)) نه يك کلمه زیادت و نه يك کلمه کمتر زیرا قرار دادن لفظ دموکراتیک مثلا در کنار اسلامی اهانت به اسلام است چون نشانه آن است که اسلام مردمی نبوده و در اعطا آزادی ناقص است که باید با لفظ دموکراتیک آن را جبران نمود.

بنابراین وقتی انقلاب ماهیتی اسلامی داشت قهراً جنبه های سیاسی، اقتصادی و اعتقادی نیز در آن تعبیه شده است زیرا مسئله سیاست و اقتصاد و معنویت و اعتقاد جز متن اسلام و از دستورات اصلی آن است که ما بطور خلاصه و فهرست به آن اشاره می کنیم:

عقیده و آرمان

از این که دین اسلام دین معنویت بوده و انسانها را بیش از هر چیز به معنویت و کمالات معنوی سوق داده و تمام همش آن است که مردم را بسوی خدا کشانده و همه سعادت بشر را در پرتو قرب به خدا تامين نماید جای بحث و گفتگو نیست و دستورات اسلام برای حفظ دین و مبارزه بالا مذهبان و دفاع از کیان عقاد اسلامی بهترین شاهد بر مدعای ماست.

در بینش اسلامی و رهبران دینی به هیچ وجه جای تحمل این جهت نیست که بنشینند و نظاره کنند که دیگران به مقدسات دینی آنان اهانت کرده و به راحتی از کنار آن بگذرند فتوای تاریخی امام در رابطه با کفر جبهه ملی که گفته بودند: ((لایحه

قصاص در اسلام يك حكم غير اصولی و غير انسانی است)). و یا حکم به کفر و اعدام سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی، و یا نامه ای که امام به مدیرعامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی محمد هاشمی در تاریخ 9 / 11 / 1367 در رابطه با اهانتی که در يك مصاحبه رادیویی از ناحیه زنی به مقام مقدس حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها شده بود نوشته بود فرمود: شخصی که متصدی پخش این برنامه رادیویی بوده باید اخراج و تعزیر شود و آن فردی هم که چنین سخنانی را گفته است اگر ثابت شود که قصد اهانت داشته است باید اعدام شود همه و همه روشنگر این جهت است و اصولاً آنچه که بیش از هر چیز مردم ایران را وادار با انقلاب علیه نظام طاغوت کرده است اعمال خلاف اسلام نظام طاغوت بود از قبیل تغییر تاریخ، کشف حجاب، اشاعه فحشا و....

آزادی

مسأله حریت و آزادی از مسأله اساسی و اصولی اسلام بوده و با تبعیضهای طبقاتی و به بردگی کشاندن انسان سخت مخالف است لذا به همه انسانها اعلام می دارد که خدا ترا آزاد آفریده است تو خود را عبد و برده دیگران قرار مده و اگر کسی خواست ملتی را به بردگی بکشاند آن ملت باید به هر طریق ممکن (ولو با انقلاب و مبارزه) خود را از یوغ بردگی آزاد نماید، لذا مولی علی علیه السلام در وصیتی که برانفرزندش امام مجتبی علیه السلام تنظیم فرموده است می فرماید: و لا تکن عبد غیرک وقد جعلک الله حراً.

و در نامه خود به مالك اشتر حاکم مصر می نویسد که مبدا آزادی را از مردم سلب نمائی دل را سراپرده محبت توده مردم کن بر آنان مهرورز و با آنان نرم باشد مبادا همچون درنده ای شکار افکن به ریختن خون آنان پردازی چرا که آنان دو دسته اند: یا در دین با تو برادرند و یا در آفرینش با تو برابر اگر از آنان لغزشی سر زد (اگر می خواهی خدا بر تو ببخشد) تو نیز آنان را ببخش ... به مردم جرئت و شهادت حرف زدن را بده تا بتوانند حقشان را از تو مطالبه نمایند و میدان را برای اعتراضات باز گذار چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود امتی که در بین آنان حق ناتوان بی نگرانی و ترس از توانایان گرفته نشود هرگز رستگار نخواهد شد. و یا وقتی که مجاهدان صدر اسلام در قادسیه با لشکر رستم فرخ زاد فرمانده سپاه ایران روبرو می شود رستم شب اول زهره بن عبدالله سرکرده سپاه اسلام را به نزد خود طلبیده و به او پیشنهاد صلح می دهد و به این صورت که پولی گرفته و برگردند و این پیشنهاد مورد قبول فرمانده سپاه اسلام قرار نمی گیرد و پس از گفتگوها بسیار رستم از فرمانده اسلام می خواهد که هدف از دین شما چیست؟ درباره آن قدری برای ما توضیح بده زهره بن عبدالله گفت:

اساس دین ما بر دو چیز است یکی شهادت به یگانگی خدا، دوم شهادت به رسالت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم، رستم می گوید: این که عیب ندارد دیگر چه؟ گفت: دیگر آزاد ساختن بندگان خدا از بندگی انسانهای همانند خود و دیگر آن که همه انسان ها از يك پدر و مادرند لذا همگان با یکدیگر برادر و خواهرند پس کسی حق استعمار و استثمار دیگری را ندارد و این است اصل آزادی در اسلام که اساسش بر نفی بردگی و استثمار است.

اسلام در بعد اقتصادی نیز سرآمد مذاهب و مکاتب دیگر است و امورات اقتصادی در روایات ما بعنوان یکی از ارکان دین و زندگی دنیا به حساب آمده که اگر انجیا به آن توجه نکنند و به فکر ضعفا و مستمندان نباشند يك پایه آن منهدم می شود و فقر مالی در کلام امیرالمومنین علیه السلام به عنوان مرگ بزرگ دانسته شد و در خطبه شقشقیه حضرت یکی از عوامل پذیرش مقام خلافت را این جهت معرفی فرموده است که خداوند از علما و دانشمندان هر قومی تعهد گرفته است که بر شکمبارگی ظالم و گرسنگی مظلوم صبر نکنند و مهمتر از آن در نامه 53 نهج البلاغه که خطاب به مالك اشتر حاکم او در مصر است هم در رابطه با تجار و بازار و صاحبان صنایع سفارش اکید داشته و هم در رابطه با مستمندان جامعه که فرمود: الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لاحیله لهم فی المساکین و المحتاجین واهل البو سی و الزمنی ...

بنابراین اگر گفتیم انقلاب ملت ایران ماهیتی اسلامی دارد قهراً شامل سیاست و اقتصاد و عقیده نیز هست هر چند که عده ای بودند و نخواستند انقلاب را بعنوان اسلامی بپذیرند و از طرفی نیز نمی توانستند مخالفت صریح داشته باشند لذا کوششها کرده اند که از متن اسلام یعنی از آیات و روایات کمک گرفته و به نظراتشان رنگ اسلامی داده و بدینوسیله نظرات خود را به مردم بقبولانند و تمام هم این گروه این بود که به این انقلاب مقدس چهره و ماهیت اقتصادی و طبقاتی بدهند لذا به مسئله استضعاف و استکبار و آیات و روایات مربوطه به آن بسیار تمسك بسته و به هر کسی هم که از نظر مالی سر و سامانی داشته برچسب استکباری میزد و با او به مبارزه برمی خواسته غافل از اینکه موضوع استضعاف و استکبار يك بعد از ابعاد وجودی اسلام است نه همه ابعاد آن و تازه آیات و روایات مربوطه به استکبار و استضعاف نمی خواهند سخنان مارکسیستها را تایید کرده و بگویند بار انقلاب تنها بر دوش محرومین است و طبقه مرفه عموماً در جهت خلاف آنند بلکه نکته اصلی در آن آیات و روایات نیز چیزی است که این گروه از آن غفلت داشته و یا عمدتاً خواستند متوجه آن شوند و آن این است که در اسلام و حکومت اسلامی برنامه ریزی و جهت گیری آن بسوی ضعفا و مستمندان جامعه است و حاکم اسلامی باید بیشترین سعی خود را در رفع نیازمندیهای آنان قرار دهد نه آنچه که گروههای منحرف (منافقین و ...) از آن آیات و روایات استفاده کرده اند.

لذا در انقلاب ما همه اقشار از غنی و فقیر از شهری و دهاتی از طلبه و دانشجو از بازاری و کشاورز همه و همه شرکت داشته اند (هر چند که ممکن است همگان سهم مادی نداشته باشند) و اصولاً رمز موفقیت رهبری انقلاب در همین اسلامی بودن انقلاب بود اگر سخن از آزادی و سیاست بود و اگر سخن از اقتصاد و امور مالی بود و یا امور دیگر همه و همه تحت

تعلیمات اسلام و با استناد به آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام بود وگرنه اگر رهبری انقلاب سخن از آزادی یا مسائل اقتصادی به شیوه مکاتب شرقی یا غربی می داشت یقیناً از چنین موفقیتی برخوردار نمی شد.

سؤال : ممکن است گفته شود چه فرقی است بین این نظریه (اسلامی بودن انقلاب) و نظریه چهارم که می گفت در انقلاب ایران هر سه عامل موثر بوده و انقلاب ایران سه بعدی بوده است یعنی چه اینکه بگوئیم انقلاب اسلامی است یا بگوئیم عاملش اقتصادی سیاسی و معنوی است؟ جواب : اولاً : شما هیچ انقلابی را در دنیا نمی توانید پیدا کنید که این سه عامل هماهنگ و دوشادوش هم (آنگونه که در انقلاب اسلامی بوده اند) در ایجاد يك انقلاب و پیشبرد اهداف آن کوشا باشند، اگر در انقلاب ما چنین بود معلوم می شود که این عوامل سه گانه خود مستقلاً عامل نیستند بلکه تحت عامل فوق عمل می کنند و آن اسلام است.

و ثانیاً: ما می گوئیم انقلاب ما نیز تك عاملی بوده و عامل آن نیز تنها اسلام بود و چون اسلام دین جامع و کاملی است شامل بقیه عوامل نیز هست هر چند که این نظریه به مذاق خیلیها خوش نمی آید و نمی خواهند این نهضت عظیم و پر ثمر بنام اسلام تمام شود لذا کوششها می شود که به آن ماهیت سیاسی یا اقتصادی داده شود، ولی :

یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم و الله متم نوره ولو کره الکافرون.

سؤال : برای پی بردن به حقیقت و ماهیت يك انقلاب و نهضتی چه معیاری وجود دارد که انسان از آن طریق به ماهیت آن انقلاب پی ببرد؟ مثلاً ما از کجا بفهمیم که ماهیت انقلاب ملت ایران اسلامی است ؟ یا غیر اسلامی ؟ جواب : با توجه به چند امر در انقلاب ماهیت آن انقلاب شناخته می شود:

- 1 - بررسی پیرامون افراد و گروههای که بار نهضت و انقلاب را به دوش داشتند.
- 2 - ریشه یابی و ارزیابی علل و عواملی که باعث ایجاد و پیشبرد آن انقلاب می شد.
- 3 - مطالعه و بررسی درباره اهدافی که انقلاب تعقیب می نمود.
- 4 - تحلیل نقش رهبری و تاکتیکهای بکار گرفته از ناحیه او.
- 5 - بررسی شعارهای که به انقلاب و نهضت حیات و حرکت می بخشید.
- 6 - توجه به گستردگی و فراگیر بودن نهضت از آن جهت که به يك طبقه و قشر خاصی تعلق نداشت یا به عکس وابسته به گروه خاص و قشر مخصوصی بود.

همه اینها می توانند پرده از چهره انقلاب برداشته و ماهیت يك نهضت را مشخص نمایند و ما با توجه به همین امور است که انقلاب ملت ایران را به رهبری امام خمینی((رحمت الله علیه)) اسلامی می دانیم.

منابع:

کتاب انقلاب اسلامی و ریشه های آن، عباسعلی عمیدزنجانی

کتاب مباحثی پیرامون انقلاب اسلامی، شهید حجت الاسلام باهنر

ماهنامه پاسداراسلام

ماهنامه گلبرگ

ماهنامه دیدار آشنا

پایگاه فرهنگی اطلاع رسانی راسخون

نویسنده: سید امیرحسین کامرانی راد